نگاه بیرون

تصویر وارونه ایران در رسانه‌های آمریکایی

agence global

رمی جرج. خوری . مترجم: فرنگیس بیات

● یکی ازخســته‌کننده‌ترین جنبه‌های گــذران وقت در آمریــکا ـ بنا به تجربه چند هفتــه‌ای من ـ پیگیری نحوه پوشــش اخبار ایران در رســانه‌های اصلی آمریکایی است؛ خوب آن چیزی را که «اخبار ایران» می‌نامند، تقریبا ذره‌ای درباره ایران گزارش نمی‌دهد بلکه بیشــتر بسته‌بندی‌های مختلفــی از حملات ایدئولوژیک و تهدیداتی اســت که از دولت‌های آمریکا و اســراییل آب می‌خورد. مشــکل اصلی این اســت که عملا، همه گزارش‌های مرتبــط با ایران در رســانه‌ها حتی رســانه‌های معتبری مثل نیویورک تایمز، واشنگتن‌پست، وال‌ستریت ژورنال و شبکه‌های تلویزیونی مهم، به شکل اجتناب‌ناپذیری اساسا بر مبنای مفروضات، هراس‌ها، دغدغه‌ها، اتهام‌ها و انتظاراتی ارایه می‌شــوند که تقریبا هیچ نشــانه یا گواه واقعی و معتبری برای تایید آن وجود ندارد دو مســاله به‌طور خاص در این نوع گزارش‌ها درباره ایران درست نیست. اول اینکه، اکثر گزارش‌ها ایران را تقریبا از دریچه لنز «دشــمن و تهدیدبــودن با آمریکا»، اســراییل و متحدان عرب آمریکا می‌بیند؛ آن‌هم به‌واسطه انتســاب اهــداف اســتیلاجویانه منطقه‌ای و شــبکه‌های تروریستی به ایران. ایران برای بیشتر رسانه‌های آمریکایی تنها به‌عنوان تهدیدی تلقی می‌شود که به هرقیمتی شده باید آن را شکســت داد. دوم آنکه، بیشــتر رسانه‌ها، اخبار ایران را انحصارا بر سر مسایلی مثل انرژی هسته‌ای بازتاب می‌دهند. این گرایش ایران را دولتی درحال پیشبرد برنامه پنهانی توسعه بمب هسته‌ای می‌بیند که این بمب را برای تهدید همسایگان یانابودی اسراییل یاعرب‌های تولیدکننده نفت به‌کارخواهد برد. برای بیشتر رسانه‌های جریان اصلی آمریکایی، ایران اولین و جدی‌ترین تهدید هســته‌ای است و واقعا در ظاهر چیزجدی دیگری درباره ایران وجود ندارد که این رســانه‌ها درباره آن گزارش دهند. هیچ شکی ندارم که هر ارزیابی بی‌طرفانه‌ای از رفتار حرفه‌ای اکثر رسانه‌های آمریکایی، این نحوه پوشش اخبار ایران را بسیار معیوب و خودرای خواهد یافت حتی تا جایی که من می‌گویم پوشش اخبار ایران در رسانه‌های جریان اصلی آمریکا به‌طورحرفه‌ای، جنایتکارانه است. این قضاوت را برمبنای ارزش‌ها و اصول حرفــه‌ای روزنامه‌نگاری که درآمریــکا آموخته‌ام می‌گویم: بدون شــک، هر پوشــش حرفه‌ای و باکیفیت رسانه‌ای در مورد هر موضوعی باید دارای ترکیبی از ویژگی‌های دقت، توازن، عمق و سابقه موضوع همراه با تلاش جدی نویسنده برای بی‌طرف ماندن در مناقشه‌برانگیزترین موضوعات باشد. این ویژگی‌های حرفه‌ای معمولا در پوشش اخبار ایران در آمریکا غایب است و معتقدم که این شکل پوشش، تلاشی جنایتکارانه است چراکه پیامدهای پوشش اخبار تهاجمی و معیوب می‌تواند شکل‌دادن به فضای افکارعمومی باشد که تهدید و تحریم ایران صرفا براســاس سوءظن و هراس‌های ذهنی سیاستمداران آمریکایی و اسراییلی باشد. همه آنهایی کــه حدس می‌زنم هرگز ایــران را ندیده‌اند و با ایرانی‌های «عادی» که هیچ سررشــته‌ای از سیاســت و لابی‌گری در واشــنگتن ندارند، حتی یکبارهم حــرف نزده‌اند. بحث بر سر ایران در رسانه‌های آمریکایی در دو سال گذشته مملو از احتمالات حمله اســراییل یا آمریکا به ایران بوده است؛ حتــی بدون تحلیــل جدی و گذرایی کــه ببیند آیا طبق حقوق بین‌الملل چنین حملات یک‌جانبه‌ای مجاز است یا خیر. من دایما از دیدن چنیــن اتهام‌هایی در گزارش‌های مربوط به ایران درباره طرح‌های اتمی شیطانی و مرموز که بــا عباراتی مثل «مقامات بر ایــن باورند که»، «فرض بر این است که»، «تحلیلگران مظنونند که»، «ایران احتمالا مظنون به انجام این یا آن کار است» یا «تصور می‌شود» پوشش داده می‌شوند، در تعجبم. هیچ قطعیتی وجود ندارد؛ آنچه وجود دارد شواهد نامعتبر، واقعیت‌های غیرقابل اثبات، تنها و تنها عصبانیت، پیش‌فرض و هراس اســت. این شکل توخالی و پوچ از شواهد ارایه شده در تصاویر رسانه‌ای از ایران نمی‌تواند هرگز عینا برای توصیــف آمریکایی- آفریقایی‌ها، معلمان اسپانیایی‌تبار یا زنان بانکدار متخصص به‌کار رود چراکه با توســل به استانداردهای حرفه‌ای رسانه‌ای و استانداردهای مشترک حقوق بشری رد می‌شود. برای گروه‌های ذکرشده ایــن اتهام‌ها مجموعه‌ای از پیشــداوری‌های وحشــیانه و کلیشه‌ای تلقی می‌شود که در پشت آن هیچ واقعیتی وجود ندارد. رســانه‌های گروهی با پنهان‌کردن زهر ایدئولوژیکی پوشش خبری بی‌طرف درمورد ایران به بیراهه می‌روند: در این مورد خاص یک کلیشه تحریف شده از رفتار حرفه‌ای ملاک عمل قرار می‌گیرد. اســتانداردی که به رسانه اجازه می‌دهد تا نقش خود را به‌عنوان گزارشگر وقایع نادیده بگیرد و تبدیل به جنگجوی ایدئولوژیکی شود که درخدمت اهداف دولت‌هاست. در عراق هزینه بالای نابودی، انهدام و جنایت این شکل از رفتار را دیدیم. جالب است و باید دقت کنیم که رسانه‌ها چگونه درباب احتمال پیشرفت در مذاکرات ۱+۵ با ایران گزارش می‌دهند. من امیدوارم که همکاران روزنامه‌نگار آمریکایی من با بیدارکردن روح حرفه‌ای و اخلاق حرفه‌ای خــود از هر دوطرف مذاکرات با توجه به کلیت سیاســی و فنی دقیق هرکدام، گزارش تهیه کنند؛ به جای اینکه نقش آدم‌آهنی تشویق‌کننده سیاستمداران آمریکایی و اسراییلی را بازی کنند.

کدخدایی، سخنگوی پیشین شورای نگهبان در گفت‌وگو با «شرق» خبر داد

تاییدصلاحیت روحانی و عارف با وساطت جنتی

شرق، مهسا جزینی: بعد از ۱۲سال عضویت و هشت‌سال سخنگویی، مجلسیان به «عباسعلی کدخدایی» برای عضویت در شــورای نگهبان، رای ندادند. بهانه اولیه گفت‌وگوی ما هم با او همین بود، ســخنگوی پیشــین هم درخواست ما را به سرعت پذیرفت. یک بعدازظهر تابستانی در خیابان «امام‌خمینی» در یکی از اتاق‌های شورای نگهبان، با او به گفت‌وگو می‌نشینیم. اما در ابتدای مصاحبه متوجه شدم که احتمال انتصاب دوباره او به سخنگویی وجود دارد. تا جایی که گروهی از خبرنگاران هم درحال جمع‌آوری امضا برای بازگشت دوباره سخنگو هستند. در گفت‌وگو اما بحث به همه‌جا کشید، از سازوکار رای‌دهی در شورا تا ردصلاحیت‌ها و نقش آیت‌الله جنتی و... . کدخدایی بدون سانسور و به تفصیل به همه سوال‌های ما پاسخ داد.

عکس: آیدین رهبر/شرق

الان چه کســی ســخنگوی شــورای نگهبان است، شما هستید؟

نه، باید دوباره انتخابات برگزار و ســخنگو هم انتخاب شود. امروز که خدمت شما هستم به عنوان سخنگو صحبت نمی‌کنم.

امکان دارد دوباره سخنگو شوید؟

به نظر آقایان و تصمیم شورا بستگی دارد.

یکی از ایراداتی که به شــورای نگهبان گرفته می‌شــود علنی‌نبودن جلسات اســت اخیرا یکی از حقوقدان‌ها گفته بود که مشــکلی از این بابت نیســت و می‌توان جلســات را علنی برگزار کرد. واقعا چرا تا به حال این اتفاق نیفتاده و مثل مجلس جلسات علنی برگزار نشده است. آیا این ممنوعیت در قانون هست یا رویه خود شوراست؟

درباره علنی‌بودن جلسات شورا ما نیاز به قانون داریم و صرفا با یک اظهارنظر نمی‌توان گفت جلسات علنی بشود یا نشود. مثلا در قانون اساسی آمده که جلسات مجلس یا مراجع رسیدگی در دادگســتری باید علنی باشد مگر مواردی که قانون تعیین کرده است. نکته دوم این است که ما برای چه دنبال علنی‌بودن هستیم؟ برای مراجع سیاسی که تصمیم‌گیری‌های کلان را برعهده دارند و وارد جزییات نمی‌شوند و جاهایی که پای حیثیت و شخصیت افراد مطرح اســت معمولا قانونگذار محدودیت‌هایی قایل شــده است.

یعنــی ما الان محدودیت قانونی در عدم برگزاری علنی جلسات شورای نگهبان داریم؟

نه‌خیر. بلکه ما قانونی نیاز داریم که بگوید جلسات علنی باشد.

پس یعنی قانون سکوت کرده است.

بله. ولی در مواردی که حیثیت افراد در میان است نمی‌توان این کار را کرد. در قانون انتخابات مجلس اعلام شــده اســت که موارد ردصلاحیت به خود فرد اعلام شود یعنی افراد دیگری نباید در جریان قرار گیرند. اســناد مختلف درباره اشخاص می‌آید باید بررســی شود که کدام درست اســت و کدام نیست خب در این مــوارد نمی‌توان جلســات را علنی برگزار کرد. امــا در زمانی که شورای نگهبان به کار تطبیق قوانین مشغول است ذاتا علنی‌بودن جلسات اشکالی ندارد که البته این کار در چند نوبت انجام شده و مشروح مذاکرات شورای نگهبان در سال‌های قبل منتشر شده است. البته در نحوه انتشار مشروح مذاکرات، آقایان اختلاف‌نظر داشــتند برای همین فعلا توزیع نشده است. یعنی اگر الان اعضا توافق کنند، ما نسبت به انتشار مشروح مذاکرات مربوط به تطبیق قوانین آمادگی داریم و کار هم انجام شده است و اتفاقا استقبال هم می‌کنیم چون می‌تواند به خود شما یا حقوقدان‌ها کمک کند که مثلا اگر یک مصوبه خلاف شرع یا قانون اساسی شناخته شده استدلال اعضا چه بوده است.

من دقیقا متوجه نشدم علت عدم انتشار مذاکرات اخیر چه بوده است.

خب، بالاخره اختلاف نظر بود. حتی برخی شــماره‌های آن چاپ شد اما توزیع نشد. چون برخی آقایان نظر داشتند که مثلا یک‌بار دیگر بررســی شود که فرصت نشد و همچنان باقی‌مانده است. در سال‌هایی که من مسوولیت داشتم به شکلی دیگر این کار را انجام دادیم یعنی شرح تفصیلی نظرات شورای نگهبان روی سایت منتشر می‌شد که آن‌هم باز به دلایلی متوقف شد. ما بدون ذکر نام اعضا، مشروح مذاکرات را منتشر می‌کردیم.

چرا متوقف شد؟

شلوغی کارها و مباحث اداری بود.

راستی چرا برخلاف مجلس موارد ردصلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری به آنها اعلام نمی‌شود؟

در انتخابات ریاست‌جمهوری فقط شرایط مطرح شده و ذکری از موانع نشده است، علاوه آنکه در انتخابات ریاست‌جمهوری احراز صلاحیت مطرح اســت و نه ردصلاحیت، بنابراین صرفا اســامی کسانی که صلاحیت آنها احراز شده به وزارت کشور اعلام می‌شود و درخصوص سایر افراد، اعلام نظری صورت نمی‌گیرد.

جناب کدخدایی من خیلی دوســت داشتم درباره رویه کار شورای نگهبان در تایید یا ردصلاحیت افراد سوال کنم. به نظر می‌رســد که یک رویه یا سازوکار ثابت و مشخصی در همه این سال‌ها وجود نداشته اســت، مثلا آقای زواره‌ای که خودشان یک دوره‌ای عضو حقوقدان شورای نگهبان بودند، در سال ۷۶ برای انتخابات ریاست‌جمهوری تایید صلاحیت اما سال ۸۴ ردصلاحیت می‌شوند. چه اتفاقی مگر افتاده است که عضو حقوقدان شورای نگهبان خودش ردصلاحیت می‌شود؟

یعنی شورای نگهبان به عضو خودش هم رحم نکرد (خنده). می‌گویند «آفتاب آمد دلیل آفتاب» و دوســتان مجلس و بیرون شــورای نگهبان خیلی انتظار نداشته باشــند. در بحث بررسی صلاحیت‌هــا، انتخابات مجلس و ریاســت‌جمهوری دو مکانیزم متفاوت دارد. واقعیت این اســت که با وجود اسناد و مدارکی که باید بررسی شود اما قانون گفته است اعضای شورای نگهبان باید رای دهند. فرض کنید مثلا خود شما خانم جزینی عضو شورای نگهبان هســتید اسناد و مدارکی به شما می‌رســد و قرار است صلاحیت من کدخدایی را بررسی کنید آنها را بررسی می‌کنید و یک تصوری در ذهن شما در رابطه با من ایجاد می‌شود و ممکن است با عنایت به همه اینها رای منفی به کدخدایی دهید.

اصلا این تصور می‌تواند کاملا شخصی و سلیقه‌ای باشد؟

قانونگذار، این را به رای شــما محول کرده است. کاری دیگر نمی‌شــود کرد. مجلس که رای می‌دهد مگر بر چه اساسی رای می‌دهد؟ قانون گفته است رای نمایندگان. آن نماینده به هر دلیلی ممکن است رای مثبت یا منفی دهد ولو اینکه مسوولیت اجتماعی دارد و باید به مردم پاسخگو باشد. اما واقعیت این است که شما به عنوان عضو یک نهاد تصمیم‌گیری به هر علتی یک رای می‌دهید و مجموع این آرای شماست که می‌شود نتیجه نهایی. حالا شما امروز عضو هستید فردا نیستید کسی دیگر می‌آید نظری مخالف شما دارد با همین پرونده و اسناد و مطالب، نظر دیگری دارد. این را چه‌کار باید کرد؟ قانون گفته رای اکثریت اعضا شورای نگهبان ملاک است؛ یعنی اگر هفت‌رای مثبت داشتید.

حالا اگر نخواهیم اســمش را شخص‌محوری بگذاریم اما می‌تــوان گفت رای و ســلیقه افراد بیش از واقعیت اســناد و مدارک در تایید یا ردصلاحیت افراد تاثیرگذار است. اینطور نیست؟

نه. من مکانیــزم رای‌گیری را توضیح می‌دهم. در هر نهادی فرق نمی‌کند. رای شورای نگهبان یا مجلس یا... یعنی چه؟ یعنی مجموع نظرات اعضای دیگر.

با این وصف ما مکانیســم مشخصی نداریم و نمی‌توانیم بگوییم که به این دلایل مثلا آقای زواره‌ای در سال ۷۶ تایید صلاحیت می‌شــود اما به این دلایل در سال ۸۴ ردصلاحیت می‌شود. درست است؟ و درواقع، توضیحی نیست.

به هر حال ما یک پرونده‌ای داریم که ســندی در آن هست. این سند را من نوعی قبول می‌کنم اما دیگری نه و می‌گوید از نظر او این سند مخدوش است. همین باعث می‌شود که من رای منفی دهم دیگری نه. خود شما مثلا در «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران» می‌خواهید به فردی رای دهید بر چه اساســی رای می‌دهید؟ بر اساس شناختی که از فرد دارید که یا مستقیم است این شناخت یا غیرمستقیم. اما در نهایت نظر شماست که تعیین‌کننده است. غیر از این راه دیگری نیست شما بفرمایید بگویید چه راه دیگری هست؟ بله یک وقتی هســت که من می‌آیم در شورای نگهبان می‌گویم که شخص ایکس بدون دلیل باید الا و بلا رد شود. شما حق دارید سوال کنید چرا؟ چون من وقتی می‌گویم که این رای را می‌دهم دارم به مدارک استناد می‌کنم. حالا ممکن است این سند را یکی قبول داشته باشد یکی نداشته باشد.

تا به حال شــده است که شــورای نگهبان به یک نامزد پیغام دهد که مثلا به نفع شماســت از انتخابات کناره‌گیری کنید و رقابت را ادامه ندهید؟

رویه‌ای در شورای نگهبان است که بی‌جهت، اعتبار و آبروی افراد زیر سوال نرود چون ما معتقد هستیم که شورای نگهبان یک مرجع خاص اســت کاری نداریم که این شخص در کجا هست و چه ســمتی دارد و بنابراین خیلی از افرادی که صلاحیتشــان در شورای نگهبان تایید نشده است، الان از مقامات و سیاسیون هستند و مشکلی هم نداشتند و ما هم هیچ‌وقت مدعی نبودیم که فرد نباید جای دیگری باشد. برای همین برای حفظ حرمت افراد ما فکر می‌کنیم اگر راه‌های میانبری هم هست وارد شویم. یکی این اســت که مثلا اگر رای گرفتیم باید بفرستیم به وزارت کشــور قبل از آن می‌شود با خود فرد صحبت کرد یا گاهی خود افراد مراجعه می‌کنند که اگر صلاحیت ما تایید نمی‌شود، بگویید که ما انصراف دهیم.

این چند بار رخ داده است؟

افراد زیادی به ما مراجعه می‌کنند.

مواردی که خود شما به فرد مراجعه کرده‌اید، چه تعداد بوده است؟

از مقامات ما افرادی را دعوت کردیم و گفتیم ظاهرا برای شما رایی در شــورا نیست اگر مایل هستید، می‌توانید انصراف دهید. بعضی‌ها پذیرفته‌اند برخی گفته‌اند نه ما تا آخر می‌ایستیم

به طور مشخص من روایت آقای هاشمی را می‌خواستم مطرح کنم. اینکه هم خودشــان و هم یکی از نزدیکانشــان گفته‌انــد که یک‌بار آقای لاریجانی و یک‌بار یک شــخصیت سیاســی دیگر از طرف شــورای نگهبان برای ایشــان پیغام می‌آورند به نفع شماست که کنار بروید و اعلام انصراف کنید چون ردصلاحیت شما هزینه زیادی را به نظام تحمیل می‌کند که ایشان نمی‌پذیرندو...

درباره آقای هاشــمی وقتی رای‌گیری شد ایشان رای لازم را نداشــت آقایان فقهای شورای نگهبان به‌ویژه دبیر شورا، حضرت آیت‌الله جنتی گفتند که بهتر است برخی آقایان بزرگان با ایشان ملاقاتی داشته باشند و بگویند با توجه به این رای، بعد گلایه‌ای نکنند که چرا به ما نگفتید. خیلی وقت‌ها می‌گویند که چرا از قبل به ما نگفتید. با برخی آقایان علما صحبت کردند که یا قم بودند یا دلایلی که آوردند، نشد.

یعنی قرار بود آنها به آقای هاشمی پیغام بدهند؟

بله، اما نشد. بعد با من مشورتی شد من عرض کردم که مثلا جناب دکتر لاریجانی با آقای هاشمی رفت‌وآمدی دارند و ممکن است صحبت کنند.

چون قبلا هم با آقای لاریجانی در مســایلی دیگر صحبتی شده بود. آقایان فقهای شورای نگهبان پذیرفتند و بعد هم گفتم که با جناب آقای روحانی هم که بررســی صلاحیت ایشان تمام شده بود هم سلام‌علیکی داریم از طریق ایشان هم می‌شود اقدامی کــرد که پذیرفتند. من تلفن زدم به آقای لاریجانی، ایشــان اول مقداری سختشــان بود اما بعد پذیرفتند و گفتند امشب روضه دارنــد فردا صحبت می‌کنند. جناب آقای روحانــی را زنگ زدم احوالپرسی کردیم گفتند دود سفیدی بلند شده است از شورای نگهبان؟ گفتم ســفید و سیاه اســت و اگر ممکن است تشریف بیاورید اینجا برای گفت‌وگو که بعد از نماز مغرب حدود ساعت ۹ شب بود آمدند. آنجا من هر دو مطلب را خدمت ایشان گفتم. ابتدا گفتم تبریک می‌گویم که شما رای لازم را آوردید و آقایان اعتماد کرده‌انــد و نکته دوم این خبر در رابطه با جناب آقای هاشــمی است که رای لازم را نداشتند و نظر آقایان این است که با ایشان صحبتی شود که اگر مایل هستند انصراف دهند. ایشان هم تعجب کردند هم گفتند برویم با بقیه آقایان صحبت کنیم که شاید نظر عوض شود.

چند روز قبل از اعلام صلاحیت‌ها بود؟

دوشــنبه یعنی یک روز قبــل از آن بود که ما باید اســامی تاییدصلاحیت‌شدگان را به وزارت کشور اعلام می‌کردیم. من به آقای روحانی اعلام کردم که دیگر امیدی به رای‌گیری نیســت و همین یک‌بار رای‌گیری شده اســت و آقایان نظرشان این است که این پیام به آقای هاشمی منتقل شود که یکی، دو ساعت هم گفت‌وگویی داشــتیم و از هر دری سخنی گفتیم و بعد تشریف بردند و قرار شــد خبر دهند. فردا دکتر لاریجانی بعد از ملاقات با آقای هاشمی رفتند نتیجه را به دبیر شورای نگهبان گفتند با این عنوان که آقای هاشمی نپذیرفته‌اند و گفته‌اند اشکالی ندارد من می‌ایستم. بعد هم همین گفته را آقای لاریجانی تلفنی به من گفتند. آقای روحانی هم همین خبر را بعدا تلفنی به من گفتند.

آقــای هاشــمی صحبت‌هایــی را در ارتبــاط بــا علــت ردصلاحیتشان مطرح کرده‌اند، مبنی بر حضور مقام، امنیتی در جلســه شورای نگهبان و اینکه این مقام، اعضا را متقاعد می‌کنند که به آقای هاشمی رای منفی بدهند با این استدلال که ایشــان رای بالایی دارد و حتمــا رای می‌آورد در حالی که این اتفاق مطلوب شــرایط فعلی نیست و از این صحبت‌ها و اینکه ایشان نباید تاییدصلاحیت شوند. خاطرم هست که در نخستین نشست خبری شما بعد از انتخابات هم همین سوال پرسیده شد.

من البته تعجب کردم چون بزرگان که نباید به این شایعات توجه کنند ما جایگاه افراد را خیلی بالاتر از اینها می‌دانیم که این بحث‌های خیلی ساده‌انگارانه مطرح شود و اینگونه تصور شود که نهاد شــورای نگهبان دنبال این اســت که ببینند چه کسی رای بیشــتری دارد بعد به او بگویند برود کنار و از این حرف‌ها. اینها دون شــأن شورای‌نگهبان است. اما در ارتباط با کلیت بحث باید بگویم که در انتخابات ریاست‌جمهوری برخلاف مجلس، رسیدگی ما یک‌مرحله‌ای است یعنی خود شورای نگهبان بررسی می‌کند نه هیات مرکزی و نه هیات‌های نظارت استانی. نسبت به خیلی‌ها چون افراد شاخصی هستند و همه می‌شناسند نیازی نیست که مدرک یا سندی آورده شود

ادامه در صفحه ۱۴

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● در مورد عدم اســتقبال مردم از مسابقات ورزشی به نفع خیریه دو راه‌حل می‌تواند وجود داشــته باشد؛ اول اینکه همه خانواده‌ها دوست دارند این‌طور برنامه‌های خیریه را به صورت خانوادگی شرکت کنند و دوم دعوت از هنرمندان معروف که رایگان در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند، می‌تواند کمک کند.

● چند روزی اســت کــه پیامکــی از طرف همــراه‌اول به مشــترکان ارسال می‌شود مبنی بر مشارکت در ساخت حرم حضرت زهرا(س) اولا اعلام نمی‌کنند چقدر و چطور باید این کار را بکننــد ثانیا تا آنجایی که مــا اطلاع داریم حرم حضرت زهــرا(س) جای مشــخصی قرار ندارد. سرمنشــا این پیامک چیست؟ پاسخگوباشند.

● لطفا مسوولان بگویند سایت مسکن مهر پردیس کی باز می‌شود؟

● بانک سپه شعبه زرتشت چند ماهی است که تلفن‌بانک خود را جواب نمی‌دهد. به‌هرحال مردم باید از حســاب خود اطلاع داشته باشند.

● از منطقه۸ تماس می‌گیرم، چند ســالی اســت که افراد زباله‌جمع‌کــن به صورت شــبانه‌روزی مقابل منــزل ما را (به نشانی خیابان شهیدثانی، نبش سمنگان، جنب کانون زبان) به مرکز بســته‌بندی، دپو و انتقال زباله تبدیــل کرده‌اند که متاسفانه شهرداری به پیگیری‌های ما پاسخ موثری نداده است. این معضل منجر به ایجاد چهره بسیار زشت محوطه سرسبز آن، ایجاد مشکلات بهداشتی آلودگی صوتی و عدم‌امنیت را به همراه دارد. خواهشمند است فورا رسیدگی شود.

● چرا با ســاخت هویت‌ها و اســم‌های جدید مردم را از هم جدا می‌کنید. آقای درویشی نوشتند لکستان منطقه‌ای است در جنوب کرمانشــاه و شمال لرستان! والله هیچ جای تاریخ و جغرافیا چنین چیزی نوشتند.

● در گرمــای ۵۰ درجــه لامــرد فارس روز پنجشــنبه ســوم مردادماه چهار ســاعت برق نداشتیم، کاش حداقل یک روزنامه‌نگار پیدا می‌شــد مشــکل شهر ما را به گوش مسوولان می‌رساند.

پیرایش

● من یک فرهنگی هستم. امروز که سوم مردادماه است هنوز حقوق تیرماه فرهنگیان در این استان پرداخت نشده، معلوم نیست چه دلایلی پشت این اجحاف بزرگ قرار دارد، اما هرچه هست در این روزهای ماه‌رمضان که مخارج نسبت به ایام دیگر خودبه‌خود چندبرابر و فشار بر خانواده‌ها افزون‌تر می‌شود، هیچ دلیلی نمی‌تواند این بی‌توجهی بزرگ را توجیه کند. گرچه در این هشت سال اخیر کمتر قشری از افراد جامعه بوده که مورد ظلم و بی‌توجهی قرار نگرفته، با این حال شرایطی که در این دولت بر قشــر فرهنگی و معلمان رفته باورنکردنی و غیرقابل جبران است. لطفا در این مورد اطلاع‌رسانی کنید.

محمدی - دبیر آموزش‌وپرورش استان کردستان

شرکت مشاور سرمایه گذاری معیار
دارنده مجوز رسمی از سازمان بورس و اوراق بهادار
مشاوره سرمایه گذاری در بورس تهران
تلفن: ۴-۲۲۲۷۵۳۲۲
www.meyarco.com

دعوت به همکاری توسط موسسه پژوهشی خرد ناب
۱- دکتری یا دانشجوی دکتری علوم سیاسی با گرایشهای اندیشه و جامعه شناسی: ۴ نفر
۲- مترجم زبان انگلیسی: ۴ نفر
۳- مترجم زبان عربی: ۴ نفر
۴- مترجم زبان فرانسه: ۴ نفر
"ارائه مدرک تافل برای متقاضی دکتری علوم سیاسی الزامی است"
ارسال رزومه به انضمام مدارک تحصیلی و شناسایی
به آدرس ایمیل: newjob222@yahoo.com